

آندره ژید و گفتمان‌های قدرت؛ نگاهی نو به فرآیند افسون‌زدایی از کمونیسم در کتاب بازگشت از شوروی سبحان فیوضی*

دانشجوی دکتری مطالعات فرانسه، دانشگاه تهران، تهران، ایران

روح‌الله حسینی**

استادیار مطالعات فرانسه، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۸، تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹، تاریخ چاپ: بهار و تابستان ۱۴۰۱)

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ و استقرار نظام کمونیستی در این کشور، سرزمین شوراها به آرمان‌شهر بسیاری از روشنفکران آن زمان بدل شد. از آن جمله، آندره ژید بود که طی دعوتی از سوی اتحادیه نویسندگان شوروی در ۱۹۳۶ به همراه تنی چند از دوستان خود، به آنجا سفر کرد تا سرزمین رؤیاهای خود را از نزدیک ببیند. اما آنچه دید و در بازگشت تحت عنوان *بازگشت از شوروی* نوشت حکایت از تأسف و نومیدی از تحقق آرمان‌های بزرگ انسان قرن بیستم داشت. این افسون‌زدایی آشکار در متن ژید، اما به سادگی حاصل نشده است بلکه هم‌زمان از تأثیرات و عواملی خبر می‌دهد که طبق نظر میشل فوکو، گفتمان قدرت در یک دوره خاص را شکل می‌دهند و بر انتخاب‌های فردی و جمعی نویسنده اثر می‌گذارند. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با استفاده از روش پژوهش تاریخی و با تکیه بر نظریات تاریخ‌گرایی نوین به درک کنش متقابل گفتمان‌های مرکزی قدرت و نقش آنها در فرآیند افسون‌زدایی از کمونیسم در نگاه ژید بپردازیم.

واژگان کلیدی: کمونیسم، تاریخ‌گرایی نوین، گفتمان قدرت، آندره ژید، *بازگشت از شوروی*، افسون‌زدایی

* Email: s.foyouzi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

** Email: hosseini_r@ut.ac.ir

مقدمه

آندره ژید، نویسنده فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبیات به عنوان یکی از شاخص‌ترین نویسندگان فرانسوی قرن بیستم به شمار می‌رود. آثار او در مکاتب مختلف ادبی، از سمبولیسم^۱ تا ادبیات ضداستعمارگرا^۲ دسته‌بندی می‌شود و همگی، به رغم تنوع و تفاوت از یک ویژگی اساسی بهره می‌برند: شهامت در جست‌وجو و بیان حقیقت.

در ابتدای سال‌های ۱۹۳۰، ژید نیز مانند بسیاری از روشنفکران عدالت‌خواه و تحت تأثیر تبلیغات کمونیسم، به این ایدئولوژی نوظهور و رژیم شوروی علاقه و گرایش پیدا می‌کند و پس از دعوت رسمی از سوی اتحادیه نویسندگان شوروی راهی این کشور می‌شود. اما، این سفر که گمان می‌رفت بتواند بازتاب مثبتی از حزب کمونیست کارگری در نشریات فرانسوی ایجاد کند به انتشار کتاب «بازگشت از شوروی»^۳ منتهی می‌شود؛ اثری که نویسنده در آن با زبانی بسیار ملایم و البته حزن‌انگیز از مواضع پیشین خود درباره شوروی تبری می‌جوید. اثر ژید در واقع حاوی اعترافات صریحی از فریب‌خوردگی اوست؛ نکته‌ای که واقع‌بینی و حقیقت‌پذیری این روشنفکر فرانسوی را آشکار می‌کند. این موضوع به روشنی قابل مشاهده است، اما، نکته اینجاست که این کتاب تنها اعتراضی توأم با افسون‌زدایی از آرمان کمونیسم نیست، بلکه هم‌زمان وضعیتی را آشکار می‌سازد که در آن به‌گونه‌ای متناقض‌نما، روشنفکر در معرض تهدید و تأثیر گفتمان‌های مختلف قدرت قرار دارد. از این منظر، واکاوی جنبه‌های مختلف این متن و در واقع سفر و ماجراجویی سیاسی آندره ژید، برای شناخت بافت سیاسی، تاریخی و اجتماعی قرن بیستم میلادی از اهمیت چشمگیری برخوردار است. همان‌گونه که آلبرت جی. گراارد^۴، منتقد و زندگی‌نامه‌نویس اظهار می‌کند، آندره ژید نماینده میل متناقض و متضاد روشنفکر مدرن به سوی آزادی فردی و تسلیم بی‌چون‌وچرا در برابر نهادهای قدرت است (گراارد viii).

این پژوهش به مطالعه اثر آندره ژید به عنوان گونه‌ای بازنمایی تاریخی از دوره بین دو جنگ جهانی، و پویایی زندگی روشنفکری در فرانسه آن زمان می‌پردازد. برای این منظور طبق نظریات مکتب تاریخ‌گرایی نوین^۴ این محصول ادبی نوعی ساخت زبانی در نظر گرفته می‌شود که خود محصولی ایدئولوژیک یا نوعی ساخت فرهنگی است. از سوی دیگر، بر اساس نظریه

^۱ Symbolisme

^۲ Anticolonialisme

^۳ Albert J. Guerard

^۴ New historicism

گفتمان قدرت میشل فوکو^۱ و نظریهٔ متنیت تاریخ اسیفن گرینبلات^۲، تاریخ پدیده‌ای است پیچیده که در آن بین گفتمان‌های مختلف کنش متقابل برقرار می‌شود و برای مثال، متون ادبی، طی فرآیندهایی با پیش‌رانه‌های اجتماعی درهم تنیده می‌شوند. در این فضای کنش متقابل، تاریخ‌گرایان نوین غالباً در پی کشف روش‌های براندازانهٔ متون ادبی برای ابراز گفتمان‌های ازدست‌رفته یا سرکوب‌شده هستند. در این رابطه متن ژید، امکان بسیار خوبی برای مطالعهٔ ما فراهم می‌کند. در واقع، پرسش اصلی ما در این پژوهش این است که چگونه گفتمان‌های مرکزی قدرت هم‌زمان امکان جدایی ژید از کمونیسم و دل‌بستگی‌اش به این آرمان را فراهم می‌سازند؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا با بررسی شرایط و بافت تاریخی قرن بیستم در فرانسه و مشخصاً دورهٔ تاریخی بین دو جنگ، به تحولات سیاسی، اجتماعی، نفوذ جریان‌های روشنفکری و چگونگی گسترش ایدئولوژی کمونیسیم در این کشور خواهیم پرداخت. در ادامه با تمرکز بر چرایی گرایش روشنفکران فرانسوی به شوروی و فرهنگ روسی، برد و تأثیر انقلاب بلشویکی را بر ایدئولوژی‌های سیاسی در فرانسه مطالعه خواهیم کرد؛ موضوعی که با تلاش روشنفکران فرانسوی برای جلوگیری از گسترش فاشیسم در این دورهٔ ویژه از تاریخ قابل توجه است. در نهایت، با لحاظ تأثیر به‌سزای گفتمان کاتولیسیم در گرایش این نویسنده به کمونیسیم، مسئلهٔ تعهد ژید به عنوان روشنفکر نویسنده، جذابیت شوروی به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی و نیز جدایی او و همراهان سفرش از ایدئولوژی غالب این دورهٔ تاریخی، زندگی ادبی و روشنفکری این نویسنده را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۱. روش پژوهش

روش مورد استفادهٔ ما در این مقاله «روش پژوهش تاریخی»^۳ است. این روش به عنوان فرآیند واکاوی معنای رویدادهای گذشته، با هدف تحلیل وقایع گذشته و تأثیر آن‌ها بر وقایع زمان حال در نظر گرفته می‌شود. روش پژوهش تاریخی با فراتر رفتن از جمع‌آوری و انباشت سادهٔ وقایع تاریخی به بررسی انتقادی منابع، تحلیل داده‌ها، روایت‌ها و شواهد می‌پردازد. در این روش تلاش می‌شود تا به شیوه‌ای نظام‌مند تأثیرات گذشته بر شکل‌گیری و تحول دوران حاضر بررسی شود (برگ و لون ۶۰-۱۵۸). از این رو، بین زمان گذشته و حال پیوندی زمینه‌ای و

^۱ Michel Foucault

^۲ Stephen Greenblatt

^۳ Historical research method

بافتاری برقرار می‌کند، و در نتیجه هرگونه پرسش درباره موضوعات دوران معاصر با محیط و بافت اجتماعی و فرهنگی گذشته در ارتباط قرار می‌گیرد. به عبارتی، استفاده از مفاهیم پژوهش تاریخی می‌تواند در فهم مسائل فرهنگی و اجتماعی معاصر مؤثر واقع شود. پژوهش تاریخی مبتنی بر تفسیر معنای رویدادهاست و با کمک تحلیل منابع موجود و در دسترس محقق می‌شود. منابع داده‌ها در پژوهش تاریخی به دو نوع «منابع دست اول» و «منابع دست دوم» طبقه‌بندی می‌شوند که به ویژه نوع اول از اهمیت و ارزش شایانی برخوردار است. منابع دست اول به گزارش‌ها و روایت‌های آن دسته از وقایعی اشاره می‌کند که در اسناد، نامه‌ها، آثار هنری، ادبی، یادداشت‌های مبتنی بر مشاهدات مستقیم و مطبوعات بازنمایی می‌شوند. این گونه منابع می‌توانند به شکل اصلی خود مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرند و یا به واسطه‌های دیگری از جمله ترجمه بازتولید شوند. این منابع اصیل داده‌ها از ارزشمندترین و قابل اعتمادترین منابع پژوهش تاریخی در نظر گرفته می‌شوند؛ چرا که در جریان و یا در حوالی رویدادهای تاریخی پدید می‌آیند و یا توسط افرادی خلق می‌شوند که یا در وقایع مورد نظر تاریخی مستقیماً درگیر بوده‌اند و یا به عنوان شاهد حضور داشته‌اند. اما باید این واقعیت را در نظر داشت که این منابع همگی تحت تأثیر ادراک و جهت‌گیری‌های مؤلف و یا گروه ویژه‌ای هستند که اسناد و گزارش‌هایشان از رویدادهای تاریخی باقی مانده است (گیون ۷-۳۹۶).

۱.۱. چهارچوب نظری

اصطلاح تاریخ‌گرایی نوین^۱ برای اولین بار توسط منتقد آمریکایی /ستیفن گرینبلات^۲ ابداع شد. این رویکرد در مطالعات تاریخی و ادبی بر پایه مطالعه هم‌ارز متون ادبی و غیرادبی متعلق به یک دوره و ویژه از تاریخ استوار است. به این معنا که تاریخ‌گرایی نوین اهمیت و برتری صرف متن ادبی را نادیده می‌انگارد. این مکتب به جای توجه به پیش‌زمینه ادبی و پس‌زمینه تاریخی، به مطالعه یکسان متون ادبی و غیرادبی همراه با بررسی کنش متقابل بین آن‌ها شناخته می‌شود. لوئیس مونتروز^۳ این رویکرد را با متنیت تاریخ و تاریخت متن تعریف می‌کند. در نتیجه، تاریخ‌گرایی نوین در مطالعات خود بر اهمیت اصلی و ابتدایی امر ادبی تأکید چندانی ندارد (بری ۱۴۶).

^۱ New historicism

^۲ Stephen Greenblatt

^۳ Louis Montrose

مطابق با این رویکرد، در متون ادبی، گفتمان‌ها و ساختارهای بلاغی مختلف به‌گونه‌ای درهم‌تنیده با یکدیگر کنش متقابل دارند. به گمان استیفن گرینبلات در رساله «به سوی بوطیقای فرهنگ»، خودآگاهی روش‌شناختی یکی از نشانه‌های تمایزبخش تاریخ‌گرایی نوین در مطالعات فرهنگی است (گرینبلات، ۱۹۹۰: ۱۵۸). بنابراین تاریخ‌گرایی نوین فرآیند تولید متن ادبی را نوعی کاربست عملی فرهنگی تلقی می‌کند. از این دیدگاه، هنر از محصولات، کاربردها و گفتمان‌های فرهنگی خاص تشکیل شده است (گرینبلات، ۱۹۸۸: ۱۳).

خلاصه این‌که، متون ادبی محصور در بافت و شرایط اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای هستند که در آن تولید می‌شوند و به مصرف می‌رسند. اما نکته مهم این است که این شرایط به هیچ‌عنوان ثابت نیست و تاریخ باید مدام در معرض بازنویسی و دگرگونی قرار گیرد. طبق این دیدگاه، متن ادبی بخشی از پیش‌رانه‌های اجتماعی است که محصولات فرهنگی ویژه‌ای به شمار می‌آیند و تأثیرات آن در ایدئولوژی همان فرهنگ آشکارا به نظر می‌آید. نوآوری تاریخ‌گرایی نوین نوعی بازشناسی است که طبق آن مطالعه تاریخ با مطالعه تاریخ حال حاضر هم‌ارز انگاشته می‌شود؛ به همین جهت تاریخ مدام در حال ساخته شدن، نوشته شدن و دگرگون شدن است، برعکس عقیده تاریخ‌نگاران سنتی که تاریخ باید به تشریح مقطعی خاص و پایان‌یافته پردازد (بنت و رویال ۱۲۸).

تاریخ‌گرایی نوین اصول و پیش‌فرض‌های خود را از نوشته‌های میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی استخراج کرده است. نظریه پیچیده و بعضاً متناقض فوکو با بازتعریف مفهوم تاریخ آغاز می‌گردد. برخلاف بسیاری از مورخان گذشته، فوکو تاریخ را به صورت خطی بررسی نمی‌کند؛ او برای تاریخ آغاز، میانه و پایان تصویری قائل نیست. به عقیده فوکو تاریخ روندی غایت‌مند ندارد و به سوی هدفی مشخص متمایل نیست. هم‌چنین تاریخ نمی‌تواند طبق اراده فرد، نهاد، سلسله و یا قدرتی ماورایی تفسیر شود. در عوض تاریخ از منظر فوکو روابط دوسویه و پیچیده‌ای از گفتمان‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مذهبی و هنری است که مردم به واسطه آن تفکر کرده و واقعیت موجود را درک می‌کنند. از طرفی دیگر کنش متقابل بین گفتمان‌های مختلف به صورت تصادفی نیست بلکه به اصول یک‌پارچه یا الگویی بستگی دارد که فوکو از آن به عنوان اپیستمه^۲ یاد می‌کند: به واسطه زبان و تفکر هر دوره‌ای از تاریخ درک خود را از

^۱ Toward a Poetics of Culture

^۲ Épistémè

واقعیت گسترش می‌دهد و به همین ترتیب معیارهای درست و نادرست و نیز قضاوت‌ها درباره‌ی خوب و بد ارائه می‌گردد (برسلر ۱۳۱).

۱.۲. پیشینه پژوهش

کتاب *قرن روشنفکران*^۱ نوشته میشل وینوک^۲ به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع موجود در ارزیابی نقش روشنفکران در صحنه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی فرانسه به شمار می‌رود. یکی از سه بخش اصلی این کتاب با عنوان «سال‌های ژید»^۳ به نقش کلیدی آندره ژید در فضای روشنفکری فرانسه پس از پایان جنگ جهانی اول می‌پردازد. سال‌هایی که خطر یک جنگ دیگر، جنگی خونین‌تر از گذشته روشنفکران را در این عقیده استوار کرد که تعهد آنان به آزادی و دموکراسی یا به اندیشه‌های مقابل و مخالف آن می‌تواند راه خروجی برای رهایی از بن‌بست و جلوگیری از وقوع تراژدی بزرگ شود. میشل وینوک در مقاله دیگری با عنوان «نویسنده به عنوان روشنفکر»^۴ مسئله تعهد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عقیده او وظیفه روشنفکر متعهد همان دخالت فردی یا جمعی در مجادلات و درگیری‌های سیاسی-اجتماعی است. ماریا گوبینسکا^۵ در مقاله خود با عنوان *بازگشت از شوروی آندره ژید*^۶ به بررسی ابعاد مختلف سفر آندره ژید در سال ۱۹۳۶ به این کشور به منظور کشف سرزمین موعود روشنفکران مبادرت می‌ورزد. او در نوشتار خود دیدگاه سابقا آرمانشهرگرایانه ژید درباره کمونیسم شوروی را بسیار ناامیدکننده می‌داند. به عقیده گوبینسکا اشتیاق آغازین ژید به تقبیح نظام کمونیستی تغییر می‌کند؛ مسئله‌ای که خود باعث طرد او از محیط‌های ادبی و سیاسی می‌گردد. فلورانس لوییزا تاکس^۷ در رساله دکتری خود به نام *همسفران شوروی آندره ژید* در سال ۱۹۳۶^۸ بنیان‌های علاقه‌مندی فرانسه را به اتحاد جماهیر شوروی در دوره تاریخی بین دو جنگ، پیچیده توصیف می‌کند. تاکس این‌گونه نتیجه می‌گیرد که این بنیان‌ها از چندین رشته تشکیل شده بود، رشته‌هایی گاهی واگرا، گاهی درهم‌تنیده. برخی از آنها در قرن نوزدهم پایه‌ریزی شده‌اند، در حالی که برخی دیگر ریشه در پدیده‌های قرن بیستم مانند جنگ جهانی

^۱ Le siècle des intellectuels

^۲ Michel Winock

^۳ Les années de Gides

^۴ L'écrivain en tant qu'intellectuel

^۵ Maria Gubińska

^۶ Retour de l'URSS d'André Gide

^۷ Florence Louisa Talks

^۸ André Gide's companions on his journey to the Soviet Union in 1936

اول، انقلاب روسیه و ظهور فاشیسم در اروپا داشتند. او چهار زمینه اصلی مورد علاقه ژید و همراهان سفرش را بدین ترتیب معرفی می‌کند: اولاً، رشد علاقه‌مندی فرانسه به فرهنگ روسیه. ثانیاً، تأثیر انقلاب بلشویکی و اتحاد جماهیر شوروی در فرانسه هم از نظر ادبیات و سازمان‌های مبتنی بر ادبیات و هم از نظر ایدئولوژی سیاسی. سوم، ظهور فاشیسم در اروپا و چهارم، جاذبه اتحاد جماهیر شوروی به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی.

نوآوری پژوهش پیش‌رو به زعم ما مطالعه اثر ژید در بازنمایی بخشی از تاریخ اروپا، در سایه مکتب تاریخ‌گرایی نوین و مشخصاً تئوری گفتمان قدرت میشل فوکو است. این پژوهش سعی می‌کند تلاشی باشد برای واکاوی کنش متقابل میان گفتمان‌های مختلف قدرت در کتاب *بازگشت از شوروی*؛ تلاشی که با هدف درک گفتمان‌های مرکزی قدرت و رابطه آن‌ها با امکان افسون‌زدایی از کمونیسم در اثر ژید صورت می‌پذیرد.

۲. فرضیه پژوهش:

به نظر می‌رسد فرآیند افسون‌زدگی در کتاب *بازگشت از شوروی* آندره ژید در قالب کنش متقابل بین گفتمان‌های مختلف قدرت رخ می‌دهد، گفتمان‌هایی که در نهایت بر این فرآیند غلبه کرده و آن را بی‌اثر می‌سازند. از جمله این گفتمان‌ها، می‌توان به تأثیرات فراگیر انقلاب شوروی و فرهنگ روسی، اهمیت گرایش‌های جنسی ممنوعه آندره ژید در جهت‌گیری‌های ابتدایی او در رابطه با شوروی به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی، اشاره کرد.

۳. شرایط و بافت‌های مختلف قرن بیستم میلادی

۳.۱. بافت تاریخی فرانسه قرن بیستم میلادی

خونین‌ترین قرن تاریخ انسانیت، جنگ‌های جهانی، جنگ‌های ضداستعماری، نسل‌کشی‌ها و قتل‌های دسته‌جمعی؛ سایه همه این تهدیدها سراسر بر قرن بیستم میلادی مشرف بود. درک این کشمکش‌ها به واسطه درک گسترش ناسیونالیسم قابل توجیه است. کشمکش‌هایی که مردم مختلف را در برابر یکدیگر قرار داد و در نتیجه گسیختگی ایجاد شده به دنبال انقلاب بولشویکی حاصل گردید؛ انقلابی که روسیه را به اتحاد جماهیر شوروی مبدل ساخت. به همین جهت، این قرن به صحنه رویارویی ایدئولوژیک کمونیسم و مخالفان آن شبیه بود. از طرفی دیگر، گسترش نازیسم نیز به دنبال آنتی‌کمونیسم انتشار یافته در میان جوامع اروپایی به وقوع پیوست. هم‌چنین هراس از کمونیسم شوروی بیان‌گر جنگ سردی است که جهان را از سال ۱۹۴۷ به دو پاره تقسیم کرد. در این میان فرانسه با ایفای نقش محوری در صحنه تحولات

قرنی حاضر شد که از آن به عنوان ملغمه‌ای از جنگ‌های جهانی و جنگ‌های استعماری یاد می‌شود. فرانسویان در این کشمکش‌ها هم‌زمان به عنوان قربانی، قهرمان و ضدقهرمان شناخته می‌شود. با این همه، نمی‌توان در برابر پیشرفت‌های شکل‌گرفته در این قرن خوش‌بین نماند. در فرانسه همین دوران بود که مسیر مدرنیته پیموده گردید و فرآیند دموکراسی و آزادی در این کشور تسهیل شد (فایه ۳۳۱).

۳،۲. جریان‌های روشنفکری و تحولات اجتماعی در فرانسه

واژه روشنفکر^۱ از دیدگاه اجتماعی پس از ماجرای دریفوس^۲، افسر محکوم به خیانت در فرانسه پدیدار شد. محاکمه این افسر ارتش به عنوان یکی از بزرگترین بحران‌های سیاسی و اخلاقی جمهوری سوم فرانسه شناخته می‌شود (فرزانه‌دهکردی و فرهادی ۱۴۷-۱۴۸). موضوع مجرمیت این افسر یهودی که به جاسوسی و افشای اسناد محرمانه فرانسه به امپراطوری آلمان محکوم شده بود، باعث برانگیختگی گسترده افکار عمومی گردید. در پی قضایای مربوط به دریفوس جامعه فرانسه به دو جناح کاملاً مخالف تبدیل شد. طرفداران بی‌گناهی دریفوس و در جبهه‌ای دیگر، ضددریفوسی‌ها و طرفداران مجرمیت او (الوس ۱۸). بدین ترتیب مسئله‌ای که علی‌رغم وجهه‌های سیاسی آن در این رویارویی جلب توجه می‌کند، اعلام حضور گروه جدیدی از نویسندگان، هنرمندان، دانشگاهی‌ها و دانشجویانی است که با عنوان پیشتازان ارزش‌های جهانی به خود اجازه مداخله به صورت جمعی در مناقشه‌های سیاسی می‌دهند (کریستف ۶۹). جبهه طرفداران دریفوس به واسطه استادان دانشگاه، متفکران، پزشکان، وکیلان، مدافعان ایدئولوژی خردگرایانه و کم‌کم با پیوستن چپ‌ها به رهبری ژان ژورس^۳ اعلام حضور کرد. ژورس به عنوان یکی از چهره‌های شاخص سوسیالیسم پارلمانی^۴ شناخته می‌شد که بعدها با عنوان اعضای مستقل^۵ وارد صحنه فعالیت‌های سیاسی فرانسه شد. در همین دوران، امیل زولا^۶ و ژرژ کلمانسو^۷ وارد ماجرای دریفوس شدند. زولا در اولین مقاله خود راجع به دریفوس این‌گونه می‌نویسد که: «حقیقت در جریان است و چیزی نمی‌تواند جلودار آن باشد (کام ۸۰). زولا به زودی متوجه می‌شود که برای دفاع از حقیقت باید علیه دروغ‌های بی‌شمار

^۱ Intellectuel

^۲ Affaire Dreyfus

^۳ Jean Jaurès

^۴ Socialisme parlementaire

^۵ Indépendants

^۶ Émile Zola

^۷ George Clemenceau

ناسیونالیست‌ها و آنتی‌سمیت‌ها مخالفت خود را اعلام کند؛ حقیقتی که توسط مراجع قدرت انکار می‌شود. بدین ترتیب زولا با نگارش نامه‌ای و ضمن اشاره به گرایش‌های ضدیهودی ارتش فرانسه حکومت مرکزی را محکوم می‌کند که به کاپیتان دریفوس اتهام‌های واهی و بدون شواهد وارد شده است. این نامه با عنوان «من متهم می‌کنم...!»^۱ در روزنامه‌ی اورور^۲ (سپیده‌دم) با سردبیری ژرژ کلمانسو با استفاده از واژه‌ی روشنفکر^۳ در معنای سیاسی آن به همه‌ی کسانی اشاره داشت که به دفاع از بی‌گناهی آلفرد دریفوس برخاسته بودند (کلمانسو ۲۱۷). بدین ترتیب، پیدایش واژه‌ی روشنفکر با تلاش برای مداخله در امور سیاسی و اجتماعی به منظور دفاع از حقیقت پیوند می‌خورد. در ادامه، نسل‌های بعد از این روشنفکر خود را صاحب این حق و اعتبار دانستند که طرفدار نظام نوینی باشند که به نام توده‌های مردم زحمتکش و در پی یک انقلاب سوسیالیستی در روسیه به حکومت رسیده بود و داعیه‌ی استقرار یک جامعه‌ی ایدئال را داشت. (وینوک ۸). این نظام نوین همان جهان‌بینی کمونیستی بود که روشنفکران بسیاری را در سراسر جهان برای یک آرمان واحد متحد کرد. آرمانی که شمار قابل‌توجهی از این افراد را درگیر افسون جامعه‌ای بدون طبقه کرده بود. آن‌ها هم‌چنین فقط به اندیشیدن و نوشتن بسنده نکردند بلکه وارد میدان عمل شدند و تعهد اختیار کردند. پس از فجایع جنگ جهانی اول، روشنفکران در برابر نظم‌های تازه‌ی جهانی به صلح‌باوری^۴ روی می‌آوردند، و در این میان، انقلاب روسیه برای بسیاری از روشنفکران سرمنزل مقصود و مقدمه‌ای است برای یک جامعه‌ای آرمانی مطلوب (۹-۱۲). ژید در همین کتاب بازگشت از شوروی، این شیفتگی به اتحاد جماهیر شوروی را چنین بیان می‌کند:

اکنون سه سال است که من احترام آمیخته به تعجب و علاقه‌ام را نسبت به شوروی اعلام کرده‌ام. در آن‌جا دست به تجربه‌ی بی‌سابقه‌ای زده شده است که قلب‌ها را آکنده از امید می‌سازد و ما را از این جهت منتظر پیشرفت‌های عظیمی می‌کند و منتظر جهشی می‌کند که قادر باشد بشریت را به طور کلی به دنبال خویش بکشاند... سرنوشت فرهنگ در افکار ما به سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی وابسته است و بدین جهت ما از آن دفاع خواهیم کرد... (ژید، ۱۹۷۲: ۷-۲۱).

^۱ J'accuse... !

^۲ Aurore

^۳ Intellectuel

^۴ Pacifisme

۳,۳. گسترش ایدئولوژی کمونیسم در فرانسه

حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی^۱ در ماه مه سال ۱۹۱۷ توسط بلشویک‌ها تشکیل گردید و به عنوان محوری‌ترین و تنها حزب سیاسی رسمی این کشور تا سال ۱۹۹۰ شناخته می‌شد. حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه^۲ در سال ۱۸۹۸ آغاز به فعالیت کرد. در سال ۱۹۰۳ این حزب به دو قسمت منشویک^۳ (اقلیت) و بلشویک^۴ (اکثریت) تقسیم شد. بلشویک‌ها به رهبری ولادیمیر لنین نیای مستقیم حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی به شمار می‌روند. این حزب توانست در پی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ قدرت را به نفع خود به دست بگیرد. بلشویک‌ها سپس به واسطه خوانشی انقلابی و رادیکال که لنین از نظریات مارکس ارائه کرده بود، راه‌هایی از سرمایه‌داری و رسیدن به جامعه بی‌طبقه را مبارزه مسلحانه می‌دانستند. مدتی پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۲۰ و به دنبال سومین کنگره بین‌الملل که توسط لنین طرح‌ریزی شده بود، حزب کمونیست فرانسه^۵ نیز تأسیس می‌شود. حزبی که از این پس جایگاه ویژه‌ای را در جامعه و تاریخ روشنفکری فرانسه و جهان به خود اختصاص می‌دهد. به عقیده اعضای این حزب، جهان در محاصره سرمایه‌داران است و همه منابع و فعالیت‌های انسانی توسط آن‌ها استثمار می‌شود. تلاش این گروه برای مبارزه با نابرابری اجتماعی و توازن در توزیع ثروت از مهم‌ترین فعالیت‌های‌شان به شمار می‌رود. از طرفی دیگر، می‌توان این حزب را دست‌کم از سه جهت از دیگر احزاب فرانسه متمایز دانست: اولی، رابطه آن با با طبقه کارگر، دومی جایگاه آن در جامعه فرانسه و دیگری پیوند آن با کمونیسم بین‌الملل (ایدرت ۱۲-۱).

بدین ترتیب آرمان کمونیسم بسیاری از روشنفکران فرانسوی را زیر یک پرچم گرد هم آورد. در این میان، آندره ژید هم مانند بسیاری از روشنفکران برجسته هم‌عصر خود به افسون شوروی گرایید. این روشنفکر در این تجربه، جایگزینی نویدبخش برای جوامع سرمایه‌داری دوران خود دیده بود. او هم‌چنین کمونیسم را به مثابه یک نقطه عزیمت نوین و الهام‌بخش در راه سامان‌بخشی و بهبود جامعه و نوع انسان می‌دانست. در سال ۱۹۳۲ ژید در خاطرات خود این‌گونه نوشت: «من هیچ چیز را به اندازه استراحت، آموزش و فرهنگی که در شوروی هست،

^۱ Parti communiste de l'Union soviétique

^۲ Parti ouvrier social-démocrate de Russie

^۳ Mencheviks

^۴ Bolcheviks

^۵ Parti communiste français (PCF)

نمی‌پسندم» (ژید، ۱۹۶۷: ۵۴۷). این اظهار نظر بخشی از دیدگاه او دربارهٔ خلق انسان نوین همراه با اخلاقیات و درک فرهنگی بالاتر در سیستم کمونیستی به شمار می‌رود. به عقیدهٔ او وجدان اخلاق‌مدار، نویسندهٔ متعهد یا روشنفکر باید از اتحاد جماهیر شوروی حمایت کند (کانوا ۱۶۲).

۴. دورهٔ بین دو جنگ و گرایش روشنفکران فرانسوی به شوروی

۴.۱. گرایش روشنفکران فرانسوی به فرهنگ روسی

گرایش فرانسه به اتحاد جماهیر شوروی در دورهٔ بین دو جنگ ماهیتی پیچیده داشت. بخشی از این گرایش در قرن پیشین بنیان نهاده شده بود و بخش‌های دیگر آن ریشه در پدیده‌های قرن بیستم مانند جنگ جهانی اول، انقلاب روسیه و ظهور فاشیسم در اروپا داشت. چهار زمینهٔ اصلی را می‌توان در رابطه با گرایش ژید و همراهان او به شوروی و فرهنگ روسی نام برد: نخست، رشد گرایش فرانسه به فرهنگ روسیه. دوم، تأثیر انقلاب و اتحاد جماهیر شوروی در فرانسه هم از لحاظ ادبی و هم از لحاظ ایدئولوژی سیاسی. سوم، ظهور فاشیسم در اروپا؛ و چهارم، جاذبهٔ اتحاد جماهیر شوروی به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی (تاکس ۷).

۴.۲. نفوذ و تأثیر انقلاب بلشویکی بر ادبیات و ایدئولوژی‌های سیاسی در فرانسه

سال‌های بین دو جنگ در فرانسه با تلاش بسیاری از نویسندگان این کشور برای انعکاس نگرانی‌ها و دغدغه‌های طبقه کارگر در ادبیات همراه است. همان‌گونه که جان فلاور^۱ نویسندهٔ کتاب *ادبیات و چپ در فرانسه*^۲ اظهار می‌کند، در این سال‌ها سنت نوشتار عامیانه به منظور توصیف جنبه‌های مختلف زندگی طبقه کارگر پدید می‌آید (فلاور ۵). طبقه کارگر که پس از جنگ جهانی اول به فرآیند تبدیل شدن فرانسه به یک کشور بسیار صنعتی کمک کرده بود، در این دوران بیش از پیش درگیر فعالیت‌های سیاسی می‌شود. بدین ترتیب، دو مکتب ادبی در فرانسه توسعه می‌یابند و ایده‌های گوناگونی را دربارهٔ بهترین روش نمایاندن ادبیات عامهٔ مردم ارائه می‌دهند: مکتب پوپولیسم^۳ و ادبیات پرولتاریایی^۴. اما برای بررسی ویژگی‌های اصلی این دو مکتب ادبی و تأثیرات آن‌ها از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ باید بافت تاریخی و اجتماعی سال‌های بین دو جنگ را در فراسه مورد توجه قرار داد (تاکس ۱۷).

^۱ John Flower

^۲ Literature and the Left in France

^۳ Populisme

^۴ Littérature prolétarienne

پس از انقلاب اکتبر و تا سال ۱۹۲۱، طی روندی که از قبل از جنگ آغاز شده بود اشکال ادبی موجود پیشین منسوخ می‌گردند. در این دوران دولت بولشویک علاقه‌مند به پرورش نوعی ادبیات بود که بتواند به واسطه آن مورد پشتیبانی مردم قرار بگیرد. این روند به سمت مکتب ادبیات چپ افراطی گرایش پیدا کرد؛ مکتبی که بعدها توسط فوتوریسم^۱ بازتاب داده شد (استروو XV). برای نمونه، ولادیمیر مایاکوفسکی^۲ شاعر و نمایشنامه‌نویس روس به عنوان یکی از نویسندگان شاخص جنبش فوتوریسم در نظر گرفته می‌شود. آثار او توانست این جنبش ادبی را در میان عامه مردم گسترش دهد و از آن به عنوان سلاحی برای انقلاب و پروپاگاندا استفاده کند (همان). با این وجود، این نزدیکی بین شاعران فوتوریست و دولت بدون چالش نبود، زیرا اختلافات اساسی بین آن‌ها وجود داشت. با درک این امر دولت همچنین از طریق راه اندازی پرولکولت^۳، یک سازمان دولتی در زمینه هنر و ادبیات با هدف فراهم کردن زمینه‌های آفرینش هنر کاملاً پرولتاریایی سعی در ایجاد یک هنر واقعی طبقاتی در خدمت دیکتاتوری پرولتاریایی داشت (تاکس ۷-۲۶). در گزیده پیش‌رو ژید سمپاتی و احساس عمیق همدلی که با دیدن مردمان فرودست در او برانگیخته می‌شود را می‌توان از تأثیرات انقلاب و ادبیات بلشویکی دانست:

ولی آن انبوه مردم فقیر که آن روز می‌دیدم از پیش روی ما می‌گذرند، در نظر من چیزی بس احترام‌انگیزتر و تحسین‌آمیزتر از آنچه زیبایی است از خود نشان می‌دادند. و چه بسا از آن‌ها را که آرزو می‌کردم در آغوش بگیرم و روی قلبم بفشارم! در هیچ جای دنیا به آسانی و فوریت اتحاد شوروی نمی‌توان با همه مردم -با هرکس که دلتان بخواهد- تماس عمیق و گرم برقرار کرد و طرح مراوده ریخت. خیلی زود و گاهی فقط یک نگاه کافی است رشته‌های علاقه و دوستی شدید در هم می‌آمیزد. آری گمان نمی‌کنم در هیچ جای دنیا به اندازه شوروی و به آسانی آن‌جا آدم بتواند به صورتی عمیق و نیرومند احساس انسانیت را درک کند. صرف‌نظر از اختلاف زبان‌ها من هرگز و در هیچ نقطه‌ای از دنیا این‌قدر صمیمانه خودم را رفیق و برادر دیگران احساس نکرده‌ام (ژید، ۱۹۷۲: ۸-۳۷).

۴,۳. گسترش فاشیسم در اروپا

^۱ Futurisme

^۲ Vladimir Maïakovski

^۳ Proletkolt

در سال ۱۹۳۵، اولین کنگره بین‌المللی نویسندگان برای دفاع از فرهنگ^۱ در شهر پاریس برگزار می‌شود. این کنگره به عنوان یکی از مهم‌ترین رخداد‌های ادبی تاریخ قرن بیستم قلمداد می‌شود. اهمیت آن نیز در نگاه نخست به دلیل حضور شمار قابل‌توجهی از مشارکت‌کنندگان از سی و هشت کشور مختلف در نظر گرفته می‌شود. در میان افراد اسامی نویسندگان برجسته‌ای چون لویی آراگون^۲، آندره برتون^۳، برتولت برشت^۴، آندره ژید، آندره مالرو^۵ و ... دیده می‌شود. باری، برای درک اهمیت این رخداد، لازم است تا با توجه به زمینه‌های سیاسی، به عمق پیوند آن با گرایش فضای ادبی فرانسه به شوروی پی برد. پیش از این کنگره، فرانسه در سال ۱۹۲۴ شوروی را به صورت رسمی به رسمیت شناخت. گسترش نفوذ فاشیسم در ایتالیا و ظهور آلمان نازی نیز از طرفی دیگر زمینه‌های علاقه‌مندی فرانسه و شوروی را تعمیق بخشیدند. در نهایت، پیر ناوال، نخست‌وزیر فرانسه و ژوزف استالین، رهبر کمونیست شوروی در سال ۱۹۳۵، قرارداد همکاری دوجانبه فرانسه-شوروی را امضا کردند. بدین ترتیب، دو کشور که سابقاً یکدیگر را دشمن می‌شناختند، رشته‌های دوستی را بیش از پیش ایجاد کردند. پس از به قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳ و سرکوب گسترده کمونیست‌ها در آلمان، مرکز مبارزه‌های ضدفاشیستی از برلین به پاریس منتقل شد. احساسات ضدفاشیستی پس از بحران ۶ فوریه سال ۱۹۳۴^۶ تشدید یافت. در این هنگام خطر گسترش فاشیسم در سراسر فرانسه احساس می‌شد (۳۹-۴۰). نیکول راسین-فورلو^۷ از اعضای کمیته مراقبت روشنفکران ضدفاشیست^۸ در کتاب خود نویسندگان کمونیست در فرانسه: ۱۹۲۰-۱۹۳۶^۹ بر ضرورت مبارزه با فاشیسم و همراهی با جریان ضدفاشیست شوروی این‌گونه تأکید می‌کند:

این نزدیکی میان حزب کمونیست و روشنفکران به واسطه جایگاه و نقشی توجیه می‌گردد که حزب در تحركات ضدفاشیستی فرانسوی و جریان هم‌دلی و موافقتی که بیش از پیش قوت

^۱ Premier congrès international des écrivains pour la défense de la culture

^۲ Louis Aragon

^۳ André Breton

^۴ Bertolt Brecht

^۵ André Malraux

^۶ Crise du 6 février 1934

^۷ Nicole Racine-Furlaud

^۸ Comité de vigilance des intellectuels antifascistes

^۹ Les écrivains communistes en France : 1920-1936

گرفته و نویسندگان را به سوی اتحاد جماهیر شوروی، کشور سوسیالیسم و کشوری که آزادانه تمایلات ضدفاشیستی دارد، می‌کشاند. پیش از این در بسیاری از بیانیه‌های سیاسی که تأکید آن‌ها بر مقاومت علیه فاشیسم، مبارزه برای صلح، آزادی و نان مجسم گردیده، این نزدیکی در زمینه فرهنگی دنبال شده است (راسین-فورلو ۴۰۵).

۵. زندگی ادبی و روشنفکری آندره ژید

۵.۱. ژید و مسئله تعهد

ژید فعالیت‌های ادبی و سیاسی خود را به صورت جدی از دهه ۲۰ آغاز کرد. در همین دوره ژید توانست پس از اثبات خود به عنوان نویسنده‌ای توانمند و نماینده نسلی که برای آزادی‌های فردی مبارزه می‌کرد، به اوج شکوفایی ادبی خود نائل گردد. ژید به زودی متوجه شد که تأکید بر نشان ویژه فردگرایی بورژوازی‌اش در آن دوره ویژه تاریخی نابه‌جا جلوه می‌کند. از طرفی دیگر، به گمان ژید، تعهد اجتماعی و انقلاب می‌توانست به عنوان منبع آفرینش هنری در نظر گرفته شود. بدین ترتیب، در طی یک دوره ده‌ساله که با گسیختگی از آرمان کمونیسم در سال ۱۹۳۶ خاتمه می‌یابد، ژید به عنوان روشنفکری متعهد و به روش‌هایی مختلف با جامعه خود کنش متقابل داشت. به عقیده او با تغییر در پیش‌رانه‌های اجتماعی، تغییرات در جامعه نیز میسر می‌شد. تعهد برای ژید پیش از هر چیز مسئله‌ای شخصی به منظور دفاع از حقیقت در نظر گرفته می‌شد. این مسئله برای ژید در کنش‌گری انتقادی از جامعه نهفته بود و می‌توانست از بیان گرایش جنسی خود تا از دفاع آزادی زنان، انتقاد از نظام قضایی فرانسه، استعمار، تهدید فاشیسم برای تمدن اروپا، افسون کمونیسم و جنگ جهانی دوم متغیر باشد (هولندر ۱۶۱-۱۶۲).

تعهد آندره ژید در واقع چیزی بیش از نسخه‌ای عمیق‌تر و متفاوت‌تر از فعالیت‌های هنری او ارائه نمی‌کند. ردپای این موضوع را می‌توان در سه مرحله در آثار او مشاهده کرد: تعهد شخصی از سال ۱۹۰۸ تا سال ۱۹۱۸ با انتشار *کوریدون*^۱، تعهد اجتماعی از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۹ در کتاب *سفر به کنگو*^۲ و *بازگشت از چاد*^۳ و در نهایت تعهد سیاسی از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۳۷ با کتاب *بازگشت از شوروی* و *تنقیح بازگشت از شوروی*. همه این آثار نمونه‌های

^۱ Corydon

^۲ Voyage au Congo

^۳ Le Retour du Tchad

درخشانی از تعهد و حقیقت‌پذیری ژید به شمار می‌رود که در دوره‌های مختلفی از فعالیت‌های ادبی این نویسنده بازنمایی گردیده‌است (کانوا ۵-۱۳).

۵،۲ شوروی و جذابیت آن به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی

نظرات و نقل‌قول‌های آندره ژید درباره خانواده با جهت‌گیری رژیم شوروی و سیاست‌های ضد بورژوازی آن در رابطه با این نهاد هم‌سویی داشت. همین موضوع تقدیر و ستایش ژید را نسبت به شوروی برانگیخت. رفتار ژید بیشتر ریشه در گرایش‌های هموسکسوالیته او داشت. همین مسئله باعث شد که او نسبت به قواعد سفت و سخت زندگی خانوادگی فرانسوی پایبند به نظر نیاید. ژید به شوروی به عنوان سرزمینی نگاه می‌کرد که از محدودیت‌ها و قراردادهای سنتی گسیخته‌است؛ جایی که در آن آزادی‌های نوین در حال شکوفایی است. علاوه بر مسئله آزادی هنری، معیار مهم دیگری برای ژید وجود داشت که میزان تکثرگرایی و آزادی را در جامعه شوروی می‌سنجید: سرنوشت هموسکسوال‌ها (مارشال ۴۵). در سال‌های پس از انقلاب اکتبر قوانینی تصویب شد که آزادی زنان را نسبت به گذشته بیشتر تضمین می‌کرد: قوانینی از قبیل طلاق و سقط جنین که بازنماینده پیشرفت‌های چشم‌گیری بودند که در شوروی برای دفاع از آزادی زنان و آزادی جنسی تلاش می‌شد. در نتیجه، گرایش روشنفکران فرانسوی در این دوره به سرزمین شوروی که در آنجا بر برابری‌های جنسی تأکید می‌شده‌است، ناگزیر به نظر می‌رسد. برای مثال، آندره ویولیس^۱، روزنامه‌نگار و نویسنده زن فرانسوی، دلیل علاقه‌مندی خود نسبت به شوروی را این‌گونه بیان می‌کند:

«اگر انقلاب اکتبر هنوز مرا شگفت‌زده می‌کند، پیش از هر چیز به خاطر کاری است که هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ قانونی برای زنان انجام داده‌است. زنان در عشق‌ورزی و ازدواج آزاد هستند، مادرانگی برای آن‌ها پیش و پس از تولد فرزندان‌شان از ارزش بالایی برخوردار است، زنان از حقوق مدنی و سیاسی برخوردارند، زنان روس علاوه بر این در فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی شریک مردان هستند. زنان نه تنها همراهان مردان هستند بلکه با آن‌ها برابرند.» (ویولیس ۲)

ژید باور داشت که درجه بالایی از آزادی‌های جنسی در شوروی وجود دارد. علاوه بر این، به گمان او، همه افراد باید طبق ایدئولوژی کمونیسم با یکدیگر برابر باشند. در واقع، این‌گونه به

^۱ André Viollis

نظر می‌رسید که شوروی پیش‌تاز دنیایی نوین باشد، جایی که در آن بروز خلاقیت‌های هنری به آزادی‌های جنسی مربوط است (تاکس ۹-۵۷). اما این توهم به زودی از میان می‌رود و اندک‌اندک ژید با واقعیت زندگی هوموسکسوال‌ها و چگونگی رفتار با این گروه از سوی شوروی روبه‌رو می‌شود. نکته‌ای که ذهن خواننده را کم‌کم با افسون‌زدایی از این سرزمین از طرف ژید آماده می‌سازد:

اما از نظر مارکسیسم در مورد بچه‌بازی و علاقه‌مندی به جنس موافق که مسئله کهنه‌تری است چگونه باید قضاوت کرد. در شوروی این‌گونه آدم‌ها را به عنوان آدم‌های ضدانقلابی محکوم به تبعید پنج ساله می‌کنند. با این شرط که اگر پس از تبعید نیز این عادت از سرشان نیفتاده باشد از نو همان تبعید از سر گرفته خواهد شد. (چون عدم شباهت با دیگران حتی در مورد مسائل جنسی نیز باعث تکفیر سیاسی می‌شود.) (ژید، ۱۹۷۲: ۷۴)

۶. سفر آندره ژید به شوروی و افسون‌زدایی از کمونیسم

۶.۱. آندره ژید بین فردگرایی رخنه‌ناپذیر و تعهد ناگزیر

در سال ۱۹۳۲، مؤسسه ان.ار.اف، انتشار کتاب *خاطرات ۱۹۳۱* را منتشر کرد. کتابی که در آن ژید احساسات خود را نسبت به کمونیسم شوروی ابراز می‌کند. انتشار این کتاب منجر به برانگیختن بهت و حیرت نویسندگان فرانسوی می‌گردد. بدین ترتیب دو نوع نگرش درباره ژید پدیدار می‌شود: اولی نگرش افرادی مانند *فرانسوا موریاک*^۱ بود که نمی‌توانستند این گونه تحولی را در ژید مشاهده کنند، به این خاطر که ژید تا پیش از این طرفدار سفت و سخت فردگرایی^۲ بود و حال به آرمان اشتراکی و جامعه بدون طبقه روی می‌آورد. دیگری اما، نگرشی است پرشور و اشتیاق: باید توجه داشت که کمونیسم برای ژید یک انتخاب شخصی بود، هیچ‌کس او را مجبور به پیروی از این آرمان نکرد. کمونیسم برای ژید بازنمایی نوعی ماجراجویی ذهنی و تمایل معنوی نوین انسان در نظر گرفته می‌شود (لوپاپ ۳۷۰). یادآوری این نکته ضروری است که طبق گفته ژید در کتاب *خاطرات ۱۹۳۳*، چیزی که ما را به سوی کمونیسم متمایل می‌کند مارکس نیست، بلکه انجیل است (ژید، ۱۹۷۵: ۳۷).

این مرحله از زندگی ژید مطابق است با زمانی که شوروی تلاش می‌کرد تا از انزوا خارج شود و در فرانسه اعضای حزب کمونیست از طرفداران خود به گرمی استقبال می‌کردند، هم‌چنین در این زمان بسیاری از روشنفکران چپ خواستار پیوستن به مجمع نویسندگان و هنرمندان

^۱ François Mauriac

^۲ Individualisme

انقلابی^۱ بودند. به عقیده لویاپ، مسئله‌ای که باعث گرایش ژرید به شوروی شد، بعد مذهب‌واره^۱ کشوری نوین و انسانی نوین بود (همان). اما با این‌که ژرید هرگز به طور رسمی عضو هیئت کمونیست نبود، باید درباره گرایش او به ایدئولوژی و آرمان کمونیسم صحبت کرد. با این وجود، در نظر گرفتن این مسئله نیز ضروری است که ژرید در چه موقعیتی قرار داشت؛ بی‌تاب از این‌که می‌تواند به عنوان روشنفکری متعهد عمل کند. او این‌گونه تلاش کرد تا تعادلی بین فردگرایی رخنه‌ناپذیر و تعهد ناگزیر خود برقرار کند، به خصوص برای نزدیکان و خوانندگان خود که از گرایش ایدئولوژیک او متعجب شده بودند، لازم به یادآوری است که ژرید در خاطراتش، دلایل این انتخاب و تردید متعاقب او نسبت به آرمان کمونیسم را بیان می‌کند (گوبینسکا ۴۳).

۶،۲ شوروی و افسون‌زدایی از اسطوره‌های سیاسی و ادبی

در نوامبر سال ۱۹۳۶، در کتاب‌فروشی‌های فرانسه، کتاب *بازگشت از شوروی* نوشته آندره ژرید منتشر شد. شخصیت برجسته مؤلف و محتوای انتقادی اثر، بلافاصله با انتشار بیش از ۱۵۰,۰۰۰ نسخه از کتاب، باعث برانگیخته شدن انتقادات «جبهه ملی» و انتشار صدها یادداشت و جوابیه نسبت به اثر ژرید گردید. ژرید هم کمی بعد با انتشار کتاب *تفحیح بازگشت از شوروی* اقدام به پاسخ‌گویی به این واکنش‌ها نمود. این جنجال‌ها در صحنه سیاسی و فرهنگی فرانسه تبدیل شد به یکی از معمای‌ترین دوران‌های حزب کمونیسم که اروپا به خود دیده‌است. شایان ذکر است سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰، با گرایش بخش قابل‌توجهی از افکار عمومی دنیای غرب نسبت به انقلاب اکتبر و ایدئولوژی کمونیسم متمایز می‌گردد. از سال ۱۹۱۷، شوروی جوان با مطرح کردن خود به عنوان مدلی برای اروپا و آمریکا، مبارزه‌ای طولانی‌مدت را آغاز کرد که سلاح جدایی‌ناپذیر آن گسترش قدرت و نفوذ خود بود. تبلیغات سیاسی آشکار یا پنهان، انتشار گسترده تصویری مثبت از رژیم جدید، بیش از هر چیز وابسته به دعوت میهمانان خارجی و نوشتن یادداشت‌هایی تمجیدآمیز از سوی آنان در بازگشت از این سرزمین بود. از آغاز سال‌های ۱۹۲۰، این حرکت باعث جریان یافتن موجی از نوشته‌های انتقادی گردید. اما پس از مدتی مجموعه‌هایی با عنوان «بازگشت از شوروی» منتشر می‌شد و به موضوع مشاجرات قلمی مختلفی بدل می‌گردید. این نوشته‌ها که انتشارشان تا سال‌های ۱۹۷۰ نیز ادامه داشت، با

^۱ Association des écrivains et artistes révolutionnaires

توصیف تملق‌جویانه و کورکورانه از شوروی مخالفت می‌ورزیدند. تضاد بین گیرایی و جذابیت جهانی انقلاب اکتبر و واقعیت شوروی با آگاهی دربارهٔ سرکوب میلیون‌ها قربانی و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سیستم شوروی، بیشتر آشکار می‌شد (کوره ۱۰-۹). ژید اما، خیلی پیش‌تر از دیگران، توانست با بازنمایی زنده از واقعیت شوروی از این اسطورهٔ سیاسی پرده بردارد:

آنچه چه در حال حاضر در شوروی از مردم می‌خواهند پذیرفتن بی‌چون و چراست. هم‌رنگ جماعت شدن است. آنچه که از مردم می‌خواهند و درین خواستن اصرار می‌ورزند تأیید و تمجید تمام آن چیزهایی است که در اتحاد شوروی می‌گذرد. و به خصوص در پی آنند که این تأیید و تمجید از روی بی‌میلی نباشد. صمیمانه باشد و حتی از سر شور و هیجان نیز باشد. و تعجب‌آورتر از همه این‌که موفق هم می‌شوند. از طرف دیگر کوچک‌ترین اعتراض و کوچک‌ترین انتقاد نه‌تنها موجب شدیدترین زجرهاست بلکه فوراً خفه هم می‌شود. و من تردید دارم که این روزها در هیچ مملکت دیگری حتی در آلمان هیتلری آزادی فکر و اندیشه این قدر کم باشد و افکار مردم این قدر محدود و ترسان و حتی وحشت‌زده و به صورت بندگی درآمده باشد! (ژید، ۱۳۵۱: ۷۹)

۷. بازگشت از شوروی ژید به عنوان گونه‌ای بازنمایی تاریخی

۷.۱. اثر ژید به عنوان منبع دست‌اول تاریخی

کتاب *بازگشت از شوروی*، منبعی است که شامل شواهد گفتاری و نوشتاری زیسته از *آندره ژید* به عنوان نویسنده/شاهد وقایع تاریخی ویژه‌ای از قبیل پیدایش، تحول و گسترش کمونیسم به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ می‌گردد. این اثر محصول و نتیجهٔ مستقیم دریافت و درک این مجموعه رخداد‌های تاریخی و هم‌چنین تجربهٔ منحصر به فرد سفر این روشنفکر و همراهانش به سرزمین شوروی است (برگ و لون ۱۶۱). *آندره ژید* در کتاب خود، تاریخ روشنفکری را در فرانسه بر اساس شواهد و رویدادهای واقعی و زیسته نقل می‌کند. این شواهد و وقایع را می‌توان به دو دورهٔ زمانی پیش و پس از سفر به شوروی دسته‌بندی کرد. این تاریخ‌نگار با مشاهدهٔ مجموعهٔ این رویدادها یا طبق نقل‌قول‌های پیشین شاهدان در تلاش است تا توصیف‌ها و تحلیل‌هایی علمی از گسترش و تحول مربوط به کمونیسم عرضه کند. این نوع توصیف و تحلیل از دوره‌ای ویژه از تاریخ به واسطهٔ نوعی سیستم ارتباط زبانی یعنی همان متن بازنمایی و بازتولید می‌گردد. در نتیجه، تاریخ‌نگاری *ژید* با نوعی روایت‌پردازی دربارهٔ گذشته همراه است که در رابطه‌ای بینامتنی با متون مختلف، گذشته را شکل می‌دهد. متن *ژید* در نهایت به

عنوان نوعی کنش فرهنگی، بی آن‌که در دام عینیت‌گرایی مطلق بیفتد، به واسطه تأویل و تفسیر و به کمک ماهیت زبانی متن خود نه تنها با نگاهی علمی، به‌روز و ژرف به بیان افسون‌زدایی از کمونیسم می‌پردازد، بلکه جایگاه این تاریخ‌نگار را از نویسنده‌ای خنثی به هویتی با خاستگاه عقیدتی و فکری خاص تبدیل می‌کند (نجومیان ۸-۳۱۷).

۷،۲. آندره ژید و تاریخ روشنفکری در فرانسه؛ بازنمایی یا روایت‌پردازی

تفاوت روش تاریخ‌محور میشل فوکو با تاریخ‌نگاری سنتی پرهیز از توصیف وقایع تاریخی، طی سلسله‌ای از علت‌ها و معلول‌هاست. به عقیده فوکو تاریخ را توالی ایستمه‌ها یا مجموعه‌ای از شناخت‌های علمی، دانش یک دوره ویژه از تاریخ و پیش‌فرض‌های مربوط به آن تشکیل می‌دهد. برای مثال از نظر تاریخ‌نگاری سنتی، رخدادی مانند گرایش روشنفکران فرانسوی به کمونیسم، به عنوان نقطه عطف تاریخ در نظر گرفته می‌شود. در این مورد، روایت تاریخی به گونه‌ای طرح می‌گردد که همه اتفاق‌ها به این رویداد مهم تاریخی ختم می‌شود؛ به این معنا که همه رخدادهای تاریخی زیر چتر گفتمانی ویژه‌ای قرار می‌گیرند. اما تاریخ‌گرایان نوین، این گونه روایتی کلان را رد می‌کنند و بدین ترتیب از پس‌نگری و خلاصه شدن همه رویدادهای تاریخی به یک واقعه بزرگ اجتناب می‌گردد (پورحسن، رضانی ۴). باری، برای بازنمایی فرآیند افسون‌زدایی از کمونیسم در اثر ژید نباید تاریخ را به صورت رشته‌ای از علت‌ها و معلول‌ها دانست؛ چراکه، در این دیدگاه، تاریخ نقطه پایانی ندارد و غایت‌گرا نیست. اگر آرمان کمونیسم برای روشنفکر دوره بین دو جنگ جهانی نوعی ماجراجویی ذهنی و تمایل معنوی نوین انسان در نظر گرفته می‌شود، برای تاریخ‌نگار یک قرن بعد معرفت دوره‌ای تاریخی است که از طریق زبان و تفکر درک خود را از طبیعت واقعیت یا چیزی که حقیقت را می‌سازد، ارائه می‌کند. این معرفت هم‌چنین، معیارهای رفتاری قابل قبول و غیرقابل قبول و ارزش‌های ویژه‌ای را تحمیل می‌کرده‌است (برسler ۱۳۱). به علاوه این‌که، تاریخ‌نگار نوین با مطالعه اثر ژید به دنبال کشف هدف مشخصی که نویسنده در حال حرکت به سوی آن باشد، نیست؛ بلکه از دریچه زمان حال به نقطه‌ای در گذشته می‌نگرد و این تاریخ بدین صورت مدام در حال دوباره نوشتن شدن است. در این گزیده که از فصل‌نهایی کتاب بازگشت از شوروی انتخاب شده است، تاریخ‌نگار نوین می‌تواند با درکنار هم قرار دادن گفتمان‌های غالب دوران نظیر گفتمان روشنفکری و کمونیسم تقابل این دو را نمایان سازد و بدین ترتیب

حقیقت‌جویی روشنفکرانه ژید را که تمایزبخش دوره ویژه تاریخی این نویسنده است، به عنوان معرفت غالب در بازنمایی متنی ژید ارائه دهد:

... و تازه از این پس بود که غمی ناشناخته دلم را می‌فشرد و مرا درین تردید نهاده بود که در برگشت به پاریس چه‌ها باید بگویم؟ چگونه به سؤالاتی که از پیش می‌دانم چیست و احساسشان می‌کنم جواب باید بدهم؟ شاید انتظار دارند که یک‌جا درباره تمام قضایا قضاوتی کنم و در بست نظر خود را بدهم. چطور می‌توانم توضیح بدهم که در اتحاد جماهیر شوروی من گاهی چنان گرم از نظر اخلاقی می‌شدم و گاهی چنان یخ می‌کردم؟ آیا بروم و باز از عشق و علاقه خویش به شوروی دم بزنم؟ و ایرادها و اعتراض‌ها را پنهان کنم و تأییدکنان از آنچه در شوروی دیده‌ام دروغ بگویم، نه؟ کلا احساس می‌کنم که با چنین رفتاری در عین حال که به شوروی خدمتی نکرده‌ام، نسبت به هدفی نیز که شوروی در انظار ما از آن دم می‌زده است، خیانت کرده‌ام. اشتباه بسیار بزرگی است اگر کسی بخواهد هر یک از این دو را به صورتی عمیق به دیگری وابسته بداند. چون درین صورت ممکن است مسئول آنچه را که در شوروی می‌گذرد، و ما از همان‌هاست که به شکایت درآمده‌ایم، همان هدف اصلی دانست (ژید، ۱۹۷۲: ۱۰۶).

۷,۳. کنش متقابل بین گفتمان‌های مختلف در اثر ژید

گفتمان را به صورت ساده می‌توان به عنوان زبان مورد استفاده به کار برد. منظور از زبان مورد استفاده مجموعه‌ای از قواعد، ترجیحات و استثنائاتی است که زبان را به بافت (کتکتست) وصل می‌کند (کامالو، ایکن ۱۷۰). گفتمان را هم‌چنین می‌توان توالی واژگان و جملاتی دانست که حاوی بیان احساسات و افکار ماست. این برساخته زبانی با فراتر رفتن از زبان، عناصر فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. به عقیده فوکو گفتمان را باید سیستم فکر، دانش یا ارتباط دانست که تجربه ما را از جهان شکل می‌دهد. از آنجایی که تغییر در گفتمان به معنای تغییر در شیوه درک جهان است، گفتمان را می‌توان به عنوان دریچه‌ای رو به قدرت دانست. در نتیجه گفتمانی که بتواند گسترش یابد و یا توانایی جلوگیری از پیشرفت گفتمان‌های دیگر را داشته باشد صاحب قدرت است. بدین ترتیب گفتمان تاریخی را نیز باید با توجه به معیارهای تحمیلی از سوی معرفت ویژه آن دوره تاریخی و روابطش با دیگر گفتمان‌های موجود مطالعه کرد (برانیگان ۶۹-۶۶). حال برای تحلیل فرآیند افسون‌زدایی از کمونیسم در اثر ژید باید به بررسی ساختار و روابط بین گفتمان‌های مختلف پرداخت. برای این منظور می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دوره تاریخی بین دو جنگ جهانی صحنه ورود

دکترین‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در اروپا بود. از طرفی اوج فعالیت‌های نویسندگان روشنفکر و متعهد در فرانسه با ورود آنان به حوزه عمومی و مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی‌شان متمایز می‌گردید. در همین دوره تمایل این افراد به فرهنگ روسی به دنبال ترجمه آثار ادبیات روسی به زبان فرانسه به اوج خود رسیده بود. به علاوه، در سال‌های بین دو جنگ در فرانسه شاهد افزایش علاقه‌مندی بسیاری از نویسندگان این کشور برای انعکاس زندگی طبقه کارگر در ادبیات هستیم؛ مسئله‌ای ریشه‌دار در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که در پی آن طبقه کارگر بیش از پیش از آگاهی سیاسی بهره‌مند شد. به همین ترتیب در همین دوران دو جریان ادبی مختلف که به دنبال بازنمایی مردم بودند پا گرفت: پوپولیسم و ادبیات پرولتاریایی. دوره پس از انقلاب اکتبر و تا سال ۱۹۲۱، دوره ادامه تجزیه اشکال ادبی موجود در شوروی است. در این میان دولت بلشویک مشتاق پرورش نوعی ادبیات بود که بتواند پشتیبان ایدئولوژی‌های خود باشد. این جریان به مکتب چپ افراطی حیات بخشید و کمی بعد توسط فوتوریست‌ها به اشکال دیگر بازنمایی گردید. رشد حمایت آلمانی‌ها پس از ۱۹۳۳ از هیتلر و ظهور فاشیسم در آن‌جا، منافع فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی را به هم نزدیک کرد. در این دوران سرکوب روزافزون کمونیست‌ها در آلمان تشدید شد و مرکز فعالیت‌های ضدفاشیستی از برلین به پاریس منتقل گردید. سفر ژید به اتحاد جماهیر شوروی در ژوئن ۱۹۳۶ به همراه دوستانش، بنا به همه اهداف، یک سفر دیگر در سنت طولانی چنین سفرهایی بود که به سال‌های بعد از انقلاب اکتبر بازمی‌گشت. برای سفر به شوروی دعوت شدن از سوی مقامات رسمی ضروری بود و در نتیجه فقط کسانی که به عنوان دوست تصور می‌شدند، می‌توانستند به این کشور سفر کنند. علاقه آندره ژید نیز به اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۳۰ با دیدگاه رایج در میان محافل روشنفکری غرب منطبق بود که شوروی سرزمینی است که هم نویدبخش برابری به نظر می‌آید و هم به عنوان پادزهر فاشیسم عمل می‌کند. این دیدگاه مدام توسط سازمان‌ها و احزاب کمونیست حمایت می‌شد. اما علاقه ژید به فرهنگ روسیه ریشه‌ای طولانی‌تر داشت که سابقه آن به سخنرانی‌های خود او در مورد داستایوفسکی در سال ۱۹۲۲، و همکاری او با ژاک شیفرین^۱ در ترجمه متون قرن نوزدهم روسی به فرانسه می‌رسید (تاکس ۵۴).

^۱ Jacques Schiffrin

لازم به ذکر است که ابتدا علاقه ژید نسبت به کمونیسم به واسطه فعالیت‌های ضداستعماری او صورت گرفته بود. بین ژوئیه ۱۹۲۵ و ژوئن ۱۹۲۶ ژید از کنگو بازدید کرده بود. او پس از این سفر سوءاستفاده نظام استعماری را در کتاب *سفر به کنگو و بازگشت از چاد* به شدت تقبیح کرد. گرایش *آندره ژید* به کمونیسم دلالتی مذهبی نیز داشت (جوهری ۳۳). از نوشته‌های او می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کمونیسم برای ژید پاسخ به نیازی عاطفی در او بود که با عباراتی نظیر «از قلب»، «از احساس»، «از فکر»، «من همیشه کمونیست بوده‌ام» یا «چیزی که مرا به کمونیسم واداشت مارکس نبود بلکه انجیل بود» تجلی می‌یابد (گوینسکا ۴۳). ژید در جایی دیگر اظهار داشت که «اگر برای توفیق اتحاد جماهیر شوروی لازم باشد از زندگی‌ام بگذرم، این کار را خواهم کرد» (ژربار ۴۱). با این حال همان‌طور که قبلاً هم به آن اشاره شد، یکی از اصلی‌ترین عوامل گرایش به شوروی نه تنها تهدید فاشیسم از سوی آلمان بود بلکه به نظر می‌رسید که فاشیسم فرانسه را نیز از درون مورد تهدید خود قرار داده‌است. در همین دوره، گرایش ژید به کمونیسم زمانی به وقوع پیوست که شوروی با تهدید فاشیسم دست و پنجه نرم می‌کرد و در تلاش بود تا از انزوا خارج شود. در فرانسه نیز حزب کمونیست با پیروی از این روش روشنفکران چپ را که سابقاً عضو انجمن نویسندگان و هنرمندان انقلابی بودند، به خود جذب کرد. به علاوه از لحاظ روانشناختی، گرایش جنسی ممنوعه ژید، تصور او مبنی بر شوروی به عنوان سرزمین آزادی‌های جنسی و لزوم افشای گرایش جنسی خود در آثارش، جهت‌گیری این نویسنده را از ابتدا نسبت به شوروی دگرگون کرد. چرا که در سال‌های پس از انقلاب اکتبر در شوروی قوانین مختلفی تصویب شد که محدودیت‌های گذشته را حذف می‌کرد و نویدبخش تداوم آزادی‌های جنسی و زنان به شمار می‌رفت.

در نهایت، هدف سفر ژید به شوروی کشف کشوری جدید نبود، بلکه کشف انسان نوین بود (لوپاپ ۳۷۰). او که از سال ۱۹۳۳ اشتیاق سفر به شوروی را داشت، پس از عزیمت به این سرزمین، انتظار تجربه‌ای بی‌سابقه و امیدی نو را برای انسانیت داشت که قلب‌ها را سرشار می‌کرد. از این رو، توصیف ژید از سرزمین شوراها آمیخته‌ای است از افسون و یأس. با این‌که مشاهدات او باعث افسون‌زدایی شد، اما همزمان ژید تلاش کرد این مشاهدات را به واسطه کلمات ختنی کند تا در نهایت بتواند انتقادهایی از چنین رفتار یا موقعیت غیرقابل پذیرشی را کاهش دهد.

در این مقاله تلاش شد متن کتاب *بازگشت از شوروی*، اثر *آندره ژید*، از منظر تاریخ‌گرایی نوین مورد واکاوی قرار گیرد. طبق این رویکرد، متن بازنماینده روابط و ساختارهای مربوط به قدرت و تعاملات بین گفتمان‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود. از دیگر سو، شبکه‌ی در هم‌پیچیده‌ی نهادهای قدرت، گفتمان مطلوب خود را تولید می‌کنند و معرفت دوره‌ای ویژه از تاریخ را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، حقیقت از خلال چارچوب گفتمانی ویژه‌ای که بر سایر گفتمان‌ها تفوق دارد، برساخته و ارائه می‌شود. در متن *ژید*، گفتمان غالب که نقش پیش‌برنده و محرک دارد، گفتمان روشنفکری است. این گفتمان در مناسبات مختلف اجتماعی، سیاسی و فردی وارد می‌شود و نسبت به گفتمان‌های دیگر برتری خود را ثابت می‌کند؛ و در تقابل با فاشیسم، گرایش به فرهنگ روسی، پیروی از ایدئولوژی کمونیسم و بیان بی‌پروای تمایلات جنسی ممنوعه، به عنوان بازیگر اصلی گفتمانی به شمار می‌رود. این گفتمان غالب در این دوره ویژه تاریخی همچون چتری بر دیگر گفتمان‌ها سایه می‌اندازد. از این منظر، اثر *ژید* که در بافت فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای تولید شده است، بستر مناسبی می‌شود برای بیان حقایقی که از چارچوب گفتمان‌ها و نهادهای دارای قدرت گسترش یافته‌اند. در واقع، توجه به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی متن *ژید* و همچنین ویژگی روایت‌مندی آن چیزهایی نو را بر ما آشکار می‌سازند. می‌بینیم که چگونه، سلطه گفتمان روشنفکری از اندیشه‌ها و نگرش‌های موجود دیگر پیشی می‌گیرد. *آندره ژید* که ابتدا در کمونیسم تمایل معنوی نوین انسان را دیده و برای مبارزه با فاشیسم به این جهان‌بینی گرویده بود، پس از سفر به شوروی و مواجهه با سراب و توهم کمونیسم، به اصالت روشنفکری خود بازگشت و نتوانست واقعیت زشت آن آرمان نو را کتمان نکند؛ موضوعی که بر اساس پژوهش ما، با حقیقت‌جویی گفتمان پرنفوذ روشنفکرانه دوران *آندره ژید* قابل تشریح است. در واقع، با این اعتراض و انتقاد متعهدانه، *ژید* ثابت می‌کند که همچون روشنفکری اصیل و «... یک نویسنده بزرگ و یک هنرمند بزرگ اصولاً آنتی‌کنفورمیست مخالف هم‌رنگی و یکسانی و مخالف شباهت‌های اجباری است. چنین نویسنده‌ای بر خلاف جریان می‌راند...» (*ژید*، ۱۳۵۱: ۹۱).

References

Adereth, Maxwell. "The French Communist Party: A Critical History (1900-1984), from Comintern to The Colours of France". Manchester University Press, 1984.

Albas ,Anton" .*Gide's Bent Sexuality ,Politics ,Writing . coll.«Ideologies of Desire.۵۵۲-۵۴۹ : (۲۰۰۰) »*

Aminpour, Hassan, and Abolfazl Ramezani. "New Historicism: Concepts and Solutions". *The First National Conference on Fundamental Research in Language and Literature Studies* (2018), 1-22.

Barry, Peter. "An introduction to Literary and Cultural Theory." *Beginning Theory*. (۱۹۹۵)

Bennett, Andrew, and Nicholas Royle. *An Introduction to Literature, Criticism and Theory*. Routledge, 2016.

Brannigan, John. *New Historicism and Cultural Materialism*. Bloomsbury Publishing, 2016.

Bressler, Charles E. "Cultural Poetics اطلاعات or New Historicism." *Literary Criticism: an Introduction to Theory and Practice*, 1994, 181-195.

Cahm, Eric. *L'affaire Dreyfus: Histoire, Politique et Société*. Librairie Générale Française, 1994.

Canovas ,Frédéric" *André Gide's Politics Rebellion and Ambivalence* ۱۲۸-۱۲۱ : (۲۰۰۴) " ..

Chadourne, Jacqueline M. *André Gide et l'Afrique: le rôle de l'Afrique dans la vie et l'oeuvre de l'écrivain*. Paris : Nizet, 1968.

Christophe, Charle. "Naissance des «intellectuels»: 1880-1900 " *Paris , Minuit*, 1990.

Martin, Claude, and André Gide. *André Gide par lui même*. Vol. 62. Éditions du seuil, 1963.

- Clemenceau ,Georges » *À la dérive* ,« L'Aurore ۲۳ janvier ,۱۸۹۸
republié dans Georges Clemenceau.(۲۰۰۱) :
- Cœuré ,Sophie" *Introduction-Retour sur le » retour 'SSSS ,dans les
coulisses ' nn mythe politique et littéraire*.۳۳-۹ : (۲۰۱۲) " .
- Cogez, Gérard. *Les écrivains voyageurs au XXe siècle*. Vol. 520.
Seuil, 2004.
- Cordle, Thomas. *André Gide*. Vol. 86. Macmillan Reference USA,
1993.
- Drake, David. *French Intellectuals and Politics from the Dreyfus
Affair to the Occupation*. Springer, 2005.
- Farzaneh Dehkordi, Jalal, and Ramin Farhadi. "Reconsideration of the
Intellectual Resistance and Degeneracy of the Idealism in Howard
Brenton's Bloody Poetry". *Research in Contemporary World
Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 20, no. 1 (Spring
and Summer 2015): 145-162.
- Fayet, Aurélien, and Michelle Fayet. *L'histoire de France: des
Origines à Nos Jours*. Editions Eyrolles, 2009.
- Flower, John Ernest. *Literature and the Left in France*. Springer,
1983.
- Gide, André. "yyy """"". Vol. 2581. Gallimard : 1994.
- . "Les Cahiers de la Petite Dame. ۱۴-۳۱۳ : (۱۹۷۵) ,",۳ ,
- . "Journal ,۵۰-۱۹۲۶ .Vol .۲ Edited by E Marty and M Sagaert ".
(۱۹۹۷).
- . "Retour de RRRRS suivi de Retouches à mon retour de RRRRRRRR
(۱۹۵۰) ۱۱
- . "e U""""". Translated by Jalal Ale Ahmad. Amir
Kabir Publication, 1972.

Gordon, Daniel. "In Search of Limits :Raymond Aron on 'Secular Religion' and Communism." *Journal of Classical Sociology*, vol. 11, no. 2 (2011): 139-154.

Greenblatt, J. S. " *Learning to Curse Essays in Early Modern Culture* Routledge.(۱۹۹۰) ".

Greenblatt, Stephen. *Shakespearean Negotiations: The Circulation of Social Energy in Renaissance England*. No. 4. Univ of California Press, 1988.

Gubińska, Maria. "Retour de l'URSS d'André Gide ".*Synergies Pologne*.(۲۰۱۸) ۱۵

Guérard, Albert Joseph. *André Gide*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1969.

Javaheri, Bahareh. "A Reflection of Andre Gide's Private Experiences on His Works". *Research in Contemporary World Literature Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*, vol. 13, no. 1 (Summer 2008): 31-46.

Hamilton, Paul. *Historicism*. Routledge, 2004.

Harpham, Geoffrey Galt. "Foucault and the new historicism." *American Literary History*, vol. 3, no. 2 (1991): 360-375.

Herbart, Pierre. ...En URSS. ۱۹۳۶, Gallimard, 1937.

Hickling, Matt. "New Historicism." *Brock Education A Journal of Educational Research and Practice*, vol. 27, no. 2 (2018): 53-57.

Hollander, Paul. "Gide and Soviet Communism". *André Gide's Politics Rebellion and Ambivalence*. Edited by Tom Conner. Palgrave, 2000.

Kamalu, Ikenna, and Ayo Osisanwo. "Discourse analysis." *Issues in the study of language and literature: Theory & practice*. Ibadan: Kraft Books Limited (5515): 189-191.

Kharitonova, Natalia Yu. "ANDRÉ GIDE'S RETOUR DE L'URSS. AND ITS PUBLICATION HISTORY: A VIEW FROM THE KREMLIN." *STUDIA LITTERARUM*: 185.

Lepape, Pierre. *André Gide le Messager Biographie*. Seuil, 1997.

Marshall, W. J. "André Gide and the USSR: a Reappraisal". *Australian Journal of French Studies* (1983): ۳۷, ۲۰.

Masson, Pierre, and Pierre Masson. *André Gide: voyage et écriture*. Presses universitaires de Lyon, 1983.

Nojournian, Amir Ali, "History, Language and Narration", *Journal of Humanities*, vol. 52 (2006): 305-318

Parenteau, Ian. "Histoire du Parti communiste français d'Yves Santamaria, Paris, Éditions La Découverte, Paris ۱۲۸, ۱۹۹۹, p." *Politique et Sociétés*, vol. 20, no. 1 (2001): 164-167.

Racine, Nicole. *Les écrivains Communistes en France: 1920-1936*. Diss. Fondation nationale des sciences politiques, 1963.

Reid, Victoria. *André Gide and Curiosity*. Brill, 2009.

Struve, Gleb. *55 Years of Soviet Russian Literature (1918-1943)*. Routledge, 2021.

Studer, Brigitte. "Le voyage en URSS et son «Retour»." *Le Mouvement Social*, vol. ۴. (2003): 3-8.

Talks, Florence Louisa. "ANDRE GIDE'S COMPANIONS ON HIS JOURNEY TO THE SOVIET UNION IN 1936: JACQUES SCHIFFRIN, EUGENE DABIT, LOUIS GUILLOUX, JEF LAST AND PIERRE HERBART (FRANCE. ۱۳۲۱-۱۳۲۱ : (۱۹۹۰) ".

Viollis, Andrée. *Russie d'Aujourd'hui*.) ۳March, (۱۹۳۳ p.2. (۱۹۳۳) :

Walker, David H. *André Gide*. Routledge, 2017.

Winock, Michel. "L'écrivain en tant qu'intellectuel." *Mil neuf cent. Revue d'Histoire Intellectuelle*, vol. 21, no.1 (2003): 113-125.

Winock, Michel. *Le Siècle des Intellectuels-Prix Médicis Essai 1997*. Média Diffusion, 2016.

